گزارشی از سخنرانی مراد فرهادپور و صالح نجفی

تاملاتی درباره «نیچه»

علی سالم

برگزاری اولین سمینار موسسه پرسش در سال جدید مصادف بود با اول‌ماه می، روز جهانی کارگر. به همین بهانه مراد فرهادپور در ابتدای سمینار «تاملاتی درباره نیچه» گفت «این روز را به کارگران ایرانی تبریک و به عبارت بهتر و با شرایط اسف‌بار موجود تسلیت می‌گوییم.» او در سخنرانی خود با عنوان «نقد نیچه در مقام فیلسوف فرهنگ» به سه‌چهره از نیچه پرداخت: نیچه پست‌مدرن، نیچه فیلسوف و نیچه حقیقت‌گرا و در انتها به نقد آنها و بررسی نظریه حقیقت در نیچه پرداخت. صالح نجفی نیز در سخنرانی خود با عنوان «نیچه و ژست فلاسفه» با رجوع به کتاب «آنک انسان» و تعدادی از پرتره‌های تاریخ نقاشی به رابطه اتوبیوگرافی و ژست فلاسفه در فلسفه نیچه پرداخت. آنچه در ادامه می‌خوانید گزیده سخنان مراد فرهادپور و صالح نجفی است:

مراد فرهادپور

علیه نظم فرودستان و گله‌ها

جان کیتس، شاعر رمانتیک انگلیسی می‌گوید «زیبایی حقیقت است و حقیقت زیبایی است». اگر عنصر سوم خیر (نیکی) را به این دو اضافه کنیم به سه‌گانه مقدسی می‌رسیم که از نظر نیچه مبنای تمدن مسیحی غربی است. اگر مقابل این سه مفهوم متضاد آنها را یعنی زشتی، دروغ و شر قرار دهیم با آن دستگاه ارزشی مواجه می‌شویم که بنیان تمدن بورژوا مسیحی است و به همین علت این دستگاه، از نظر نیچه نقطه‌نهایی این تمدن یعنی نهیلیسم اروپایی است. از عبارت بورژوا مسیحی استفاده می‌شود چون نیچه معاصر این نهیلیسم است، علاوه بر این منظور از مسیحیت فقط کلیسا و تحولات تاریخی آن نیست بلکه به‌عنوان ماشین نظم‌دهی به ارزش‌ها و قلب متافیزیک غربی مطرح است. نکته اصلی که در شعر کیتس وجود نداشت ستون وسط دستگاه نیچه یعنی خیر و شر است که در ایران به اشتباه «نیک و بد» ترجمه شده است. نیچه برای واسازی این دستگاه به ستون اصلی آن (خیر) نظر دارد؛ خیر اعلایی که افلاطون مطرح کرده است. نیچه مسیحیت را افلاطون‌گرایی عامه می‌داند. پس تقابل خیر و شر این دستگاه را سازمان می‌دهد. نیچه در حمله‌ای که به خیر و شر حتی در آثار اولیه خود می‌کند ستون اول یعنی زیبایی و زشتی و ارزش‌گذاری زیبایی‌شناسانه را برجسته می‌کند که گاهی در قالب ستایش از فرهنگ یونانی جلوه‌گر می‌شود و در دوره‌هایی نیز می‌گوید زندگی و هستی فقط به‌عنوان یک اثر هنری دارای اهمیت است بنابراین فقط ارزش‌گذاری زیبا و زشت باید مهم باشد. ولی وقتی تکیه را روی خیر و شر می‌گذارد و از رفتن به «فراسوی خیر و شر» حرف می‌زند و آن را نقدی به نهیلیسم می‌داند خیر و شر را به عنوان ارزش‌گذاری معکوس مطرح می‌کند. نوعی ارزش‌گذاری که جای مثبت و منفی را عوض می‌کند؛ نوعی ارزش‌گذاری که هر آنچه همراه خلاقیت است منفی دانسته می‌شود، هر چیزی که ستایشگر مرگ و ضعف و نه گفتن است مثبت تلقی می‌شود.

این خیر و شر مسیحی اخلاق بردگان است که از طریق ایده‌آل زهد، سیستم تمدنی بورژوا مسیحی را ارزش‌گذاری می‌کند. او از این طریق به سه دوگانه قدرت-ضعف، خلاقیت-سترونی و زندگی-مرگ ستون چهارمی را در دستگاه مذکور اضافه می‌کند. نیچه می‌گوید اخلاق بردگان و این دستگاه نهایتا از کار می‌افتد چون ضد زندگی و خلاقیت و قدرت است و نهایت آن تولید نیستانگاری است؛ نگاهی که زندگی را به سخره می‌گیرد و بر اساس ایده‌آل زهد زندگی زمین را در قبال زندگی ملکوتی هیچ می‌داند. بر اساس آنچه می‌توانیم حیات بشری نام ببریم، این دستگاه خیر و شر، نابودکننده زندگی و نشان‌دهنده اخلاق بردگان است که ضعف را ستایش می‌کند.

در اینجا نیچه با گوشه چشمی به ستون حقیقت و دروغ در این دستگاه می‌گوید چون مسیحیت برای صداقت ارزش قایل شده همین موضوع موجب می‌شود نهیلیسم نهایتا رو بیاید و معکوس‌بودن آری و نه نمی‌تواند پنهان بماند. از آنجا که یک‌سوی این دستگاه به حقیقت متصل است، معکوس‌بودن خیر و شر آشکار می‌شود و چیزی که این دستگاه تولید می‌کند نهایتا بی‌ارزش‌شدن همه ارزش‌هاست. این چهره از نیچه خیر و شر را دور می‌اندازد و به فراسوی آن می‌رود و بحث راست و دروغ را هم تابع این موضوع می‌کند. حقیقت و دروغ به مفهومی غیراخلاقی؛ حقیقت چیزی نیست جز دروغی سودمند، استعاره‌ای بشری، چیزی که آرامش و ثبات ما را تضمین می‌کند اما ربطی به واقعیت فی‌نفسه ندارد. ما با پرش از روی مجموعه‌ای از استعاره‌هاست که به چیزی به نام حقیقت می‌رسیم و آن را درونی می‌کنیم. یک بنای مفهومی ساخته‌ایم که به نیازهای گله مثل رفاه، آرامش و امنیت پاسخ می‌دهد؛ اینکه ما مرکز جهانیم و در قالب اسطوره‌های مختلف همچون علم می‌کوشیم همه‌چیز را انسانی کنیم.

به این ترتیب، دروغ-حقیقت هم در غالب خیر و شر فعالیت می‌کند و هدفش تولید نظمی دروغین است که از سقراط به‌دنبال آن بوده‌اند و نام مسیحیت به خود گرفته است. انسان عقلانی برای رسیدن به یک زندگی آرام حرکت می‌کند. این نظم، نظم فرودستان و گله‌هاست نه اخلاق بزرگان که بر اساس نیک و بد رفتار می‌کنند نه خیر و شر.

این نیچه بر «زیبایی» تاکید می‌کند؛ نیچه زیباشناسی، نیچه ناقد فرهنگ که معروف‌ترین چهره نیچه است. نیچه پست‌مدرن که فقط با تفسیر سروکار دارد. از ظاهر و نمود ستایش می‌کند، چون ذاتی وجود ندارد. نیچه‌ای که می‌گوید زندگی باید شهودی باشد و همچون خلق یک اثر هنری زیسته شود و آرامش عقلانی انسان و فایده‌گرایی را کنار می‌گذارد و تصویری رمانتیک می‌دهد. این چهره‌ای از نیچه است که بیشتر جوانان با القای حس نخبه‌گرایی شیفته آن می‌شوند. این نگاه حس هنرمندبودن و خلاقیت را در انسان تقویت می‌کند. این چهره دستگاه حقیقت، خیر و زیبایی را خراب می‌کند. زیباشناسی را در برابر علم و فایده‌گرایی و هر نوع تعهد به حقیقت را برجسته می‌کند. با این گزاره که اینجا دنیای نسبی است و هر کس می‌تواند بر حسب سبک زندگی بیشترین حظ را از زیبایی و فرهنگ ببرد. در این نظر نیچه پیامبر پست‌مدرنیسم در مقام تحقق میان‌مایگی و نهیلیسم و عدم خلاقیت و خوش‌باشی کودکانه فرهنگی است که خود نیچه آن را نتیجه آن دستگاه می‌دانست.

ستون چهارم این دستگاه آری-نه، زندگی-مرگ و خلاقیت-سترونی است. ستون چهارم چهره دیگری از نیچه می‌سازد. این نیچه، نیچه فیلسوف است که مورد علاقه دلوز و بدیو است؛ نیچه‌ای که شبیه اسپینوزا دارای هستی‌شناسی مونیستی است؛ هستی چیزی نیست جز درجات مختلفی از فشردگی خواست قدرت. اشیا و امور به خاطر میل به بودن وجود دارند و نیچه به آن خواست قدرت می‌گوید. جهان مثل اقیانوسی است که ما فقط سطح آن را می‌بینیم. دلوز می‌گوید این سطح جایی است که با اشیا و امور مواجه می‌شویم. اما سطح در اثر تغییراتی در عمق صورت گرفته است. این سطح درون ماندگار قسمت روی اقیانوس است. این تصویری کلی است که بررسی دقیق آن پای هگل، اسپینوزا و دیگران را به میان می‌آورد. این نیچه ترکیبی از ستون قدرت با ستون زیبایی‌شناسی‌است.

حال به رابطه نیچه با ستون حقیقت-دروغ می‌پردازیم. از این طریق می‌توان به نیچه‌ای رسید که مفهوم حقیقت را در خود دارد و نسبی‌گرا نیست. نیچه گاهی حقیقت را دروغ سودمند می‌داند که پشت آن فقط تفسیر وجود دارد اما در جاهای دیگر از حقیقت حرف می‌زند و می‌گوید حقیقت برای زندگی مضر است و مردم به همین دلیل آن را طرد می‌کنند. مثل حقایق فروید و مارکس و داروین که از سوی مردم مردود شد. چون این حقایق آرامش و مرکزی‌بودن انسان در سامان جهان را بر هم می‌زنند. این مساله را می‌توان با رجوع به تفکر آلنکا زوپانچیچ در کتابی به نام «کوتاه‌ترین سایه» بررسی کرد که جوابی به کتاب «نیچه و فلسفه» دلوز و دفاع از نظریه معرفت نیچه و خوانابودن آن با دیالکتیک است. او با تکیه بر سه‌گانه لاکانی حقیقت را فقط یک استعاره می‌داند، اما تا جایی که با عرصه خیالی و نمادین و فانتزی و خواب و خیال و واقعیت اجتماعی موجود سروکار دارد. اما در عرصه امر واقع حقیقت می‌تواند وجود داشته باشد در حالی‌که در عرصه نمادین و خیالی حقیقت وجود ندارد و فقط تفاسیر غرض‌ورزانه وجود دارد. حقیقت را می‌توان بر حسب یک تفاوت جزیی تعریف کرد؛ امر واقعی که بدون حساب و کتاب در عشق و هنر و سیاست بر اساس شانس و تصادف کل وضعیت را مخدوش می‌کند و حقیقت توخالی را رو می‌آورد. امر واقعی بر اساس انگشت‌گذاشتن بر خلأ واقعیت رو می‌آید. این امر واقع حقیقت است و شکافی است که از دل هرچیزی رد می‌شود.

عکس: مهرداد رستمی

صالح نجفی

فیلسوف‌شدن مبتنی بر وفاداری به یک زخم است

پارادوکس اصلی در مورد نیچه ذیل مفهوم «فلسفه به عنوان اتوبیوگرافی» می‌گنجد. قرن۱۹ از طرفی قرن خودزندگینامه‌های اعترافی و از طرفی سلف‌پرتره‌های غیررسمی است. این قضیه در تاریخ فلسفه از کتاب اعترافات سنت آگوستین آغاز می‌شود که هم اتوبیوگرافی و هم اثری فلسفی است. در قرن هجدهم شکل مدرن اتوبیوگرافی با روسو آغاز می‌شود و در قرن نوزدهم دیگران این کار را انجام دادند. در قرن نوزدهم رشته‌ای که به‌عنوان روانشناسی گسترش می‌یابد، منابع را برای مداقه در زندگی خود و مطالعه روان خود بیشتر می‌کند و اتوبیوگرافی به یک ژانر محبوب تبدیل می‌شود. اما از همان طرف رشد روانشناسی محدودیت‌هایی را هم برای اتوبیوگرافی پیش می‌آورد. سه‌مورد از این محدودیت‌ها عبارتند از حافظه که نهایتا قابل اعتماد نیست. صداقت که آن هم در حد نهایی ناممکن است و مدیوم زبان که تحریف‌کننده است. این سه‌محدودیت در تثلیث مقدس زندگینامه‌نویسی متبلور می‌شود که سه‌راس دارد: مولف، راوی و قهرمان. این سه‌راس در زندگینامه‌های مختلف وجود دارد. از این نظر نیچه ادامه‌دهنده تصویر هیوم است. فرض انسان به عنوان موجودی وحدت‌یافته که به آن حمله می‌کند. در اوایل کتاب «زایش تراژدی» این ماجرا وجهی فلسفی می‌گیرد. اینکه «فرد» در نهایت محصول یک خواب و رویا است که وحدت آن به‌راحتی از هم می‌پاشد. او با تقابل بین دیونوسوس و آپولون این قضیه را مطرح می‌کند. در «تبارشناسی اخلاق» زبانش را غیرمتافیزیکی می‌کند، از شوپنهاور فاصله می‌گیرد و به این ایده «خود» حمله می‌کند و آن را محصول یک کین‌توزی می‌داند و همزمان دغدغه‌های او هم سیاسی‌تر می‌شوند. حمله به خود برای بازکردن میدان نیروهاست. بعد از فرد و خود در مرحله بعد پای زبان را وسط می‌کشد. در فراسوی خیر و شر می‌گوید باید خود را از اغوای زبان رها کنیم. او قصد دارد روح را از تعریف اولیه تهی کند. در اوج پروژه نیچه، کتاب «آنک انسان» که یک اتوبیوگرافی است، مساله این است کسی که زندگینامه خود را می‌نویسد مقام «خود» را از دست داده است. کتاب «آنک انسان» از ابتدا تا انتها سراسر حمله است و ژانر اتوبیوگرافی را زیر سوال می‌برد. نیچه نام این حالت را اتمیسم روح می‌گذارد که مسیحیت آن را پرورش داده است. پس اتوبیوگرافی نیچه پایان اتوبیوگرافی است. او با زیرسوال‌بردن «داستان زندگی» این ژانر را از نو صورت‌بندی می‌کند. او در عین حال بر توانایی کنار هم‌آوردن رویدادهای ازهم‌گسسته در قالب یک روایت تاکید می‌کند. پل والری در سال ۱۹۰۱ در شعری نوشت که ادامه نقد نیچه بر اتوبیوگرافی است: «من در جست‌وجوی راز خودم هستم.» این پارادوکس که فرد خودش راز خودش را جست‌وجو می‌کند؛ رازی که برای من است اما من نمی‌شناسمش. نیچه هم می‌کوشد به این راز دست یابد. او از طریق پیگیری این راز آن را به زخمی تعبیر می‌کند که مرهمی ندارد. به این ترتیب، می‌توان گفت با به میان‌آمدن مفهوم تروما نیچه هم از روانشناسی به روانکاوی می‌رسد. «آنک انسان» کتاب استثنایی است و تنها متنی است که نیچه در مورد دیگر متن‌های خودش نوشته است و به مداح و شارح متن‌های خودش تبدیل می‌شود؛ نویسنده‌ای که دنبال رازهای خودش می‌گردد و از خود پرتره‌های مختلفی رسم می‌کند. او می‌گوید من اتوریته نیچه مولف را دارم. من خودم نویسنده‌ام و به همین دلیل بازنویسی من از این کتاب‌ها از بقیه معتبرتر است. نیچه در «آنک انسان» در مقام کاشف خود نیچه به صحنه آمده است و از اختلاف بین نیت مولف و تفسیر حرف زده است. او وقتی نوشته‌های خود را می‌خواند غافلگیر می‌شود. غرق لذت می‌شود چون چیزهایی را کشف می‌کند که بار اول نمی‌دانسته است. او نام این کار را «هنر سبک» می‌گذارد که به شهریار ماکیاولی بازمی‌گردد. منظور از سبک انتقال یک تنش درونی از طریق نشانه‌ها و ضرباهنگ نشانه‌هاست. او سبک خوب را سبکی می‌داند که بیان یک حالت درونی باشد و بر اثر ضرباهنگ نشانه‌ها و ژست‌ها اشتباه نکند. او هم قانون‌های عبارت‌پردازی در فلسفه را به هنر ژست‌ها مربوط می‌داند. نیچه به دنبال تعریف فلسفه جدید و «ژست فلاسفه» است. دلوز در کتاب «منطق معنا» نیچه را مخترع سبک جدیدی تعریف می‌کند که در آن نه به زندگینامه می‌توان کفایت کرد و نه به کتابنامه. در سبک نیچه باید به نهانخانه‌ای رسید که در آن نمی‌توان بین یک حکایت زندگی و کلمات قصار تفاوت گذاشت. در نظر دلوز زمان‌ها و مکان‌های این نهانخانه، نشانگر منطقه یخبندان حاره‌ای است که هوای آن هیچ‌گاه به سمت اعتدال نمی‌رود. او این مناطق را مناطق تفکر می‌داند و ژست فلاسفه را با «افراط» تعریف می‌کند.

آلن بدیو فیلسوف معاصر فرانسوی، در مقدمه‌ای که بر کتاب «بعد از تناهی» نوشته، می‌گوید همیشه هر فیلسوفی در زندگی به یک سوال جواب می‌دهد: «کدام زخم بود که من درصدد برآمدم درمانش کنم؟» فیلسوف‌شدن مبتنی بر وفاداری به یک زخم است. فیلسوف همیشه از بطن یک سوال بیرون می‌آید. این پرسش در تلاقی‌گاه زندگی و تفکر ساخته شده است. فیلسوف همیشه یک ایده را بسط می‌دهد. ژست فلاسفه جایی است که آنها انقلاب می‌کنند اما کاملا سکوت کرده‌اند. یا چنان‌که نیچه می‌گوید «فقط خاموش‌ترین کلام‌ها هستند که توفان به‌پا می‌کنند.»

نگاهی به کتاب «بحران»

هنوز بحران اقتصادی جهانی وجود دارد

آدام اسمیت را معمولا نظریه‌پردازی در زمینه اقتصاد سیاسی تلقی می‌کنند که به سرمایه‌داری مشروعیت بخشیده است. گویا وی باور داشت انگیزه‌سودجویی شخصی، افراد را با «دستی نامرئی» به سوی تحقق منافع عمومی می‌راند. بنابراین توصیه می‌کرد همه موانع از سر راه سودجویان اقتصادی برداشته شود تا منافع عمومی نیز تامین شود. اما او به‌راستی، چنان باوری داشت؟ و چنین توصیه‌ای می‌کرد؟ نخستین مقاله از مجموعه مقالات «بحران» که به‌تازگی به همت انتشارات گهرشید و ترجمه باقر ماجدی منتشر شده، این باور را به چالش می‌کشد.

ظاهرا انگیزه اصلی انتشار مجموعه مقالات «بحران»، موضوع ادامه‌دار بحران اقتصاد جهانی است. هنگامی که رسانه‌های ارتباط جمعی به هر دلیل، از انتشار اخبار و بحث درباره موضوع یا مساله‌ای باز می‌ایستند، معمولا چنین به‌نظر می‌رسد که آن مساله برطرف شده یا موضوعیت خود را از دست داده است. در حالی‌که در بسیاری از موارد واقعا چنین نیست. یکی از موضوع‌های جدی و همچنان مطرح در جهان کنونی، بحران اقتصاد جهانی است. مدت‌هاست که در رسانه‌های ارتباط جمعی خبر تازه‌ای از این بحران نمی‌یابیم اما اعتراض‌های گسترده‌ای که هر از گاهی خبرساز می‌شوند درصد بالای بیکاری ادامه‌دار جوانان در کشورهای پیشرفته صنعتی را گوشزد می‌کند. این بیکاری‌های گسترده و سیاست‌های ریاضتی یا انقباضی شایع در کشورهای پیشرفته صنعتی که به اقتصاد جهانی گره خورده‌اند، نشان می‌دهند اقتصاد غالب این کشورها، دست‌کم در دوران رونق قرار ندارد.

به بحران ادامه‌دار اقتصاد جهانی از منظرهای متفاوتی می‌توان نگریست. مثلا ضمن بحث بسیاری از جزییات بحران می‌توان به ژرفا رفت و شالوده‌هایی را مورد پرسش قرار داد که اقتصاد جهانی، ساختارهای اقتصادی و سیاسی خود را بر آنها مبتنی ساخته است. یک نگاه ساختاری از منظر اقتصاد سیاسی به بحران اقتصاد جهانی کمک می‌کند کلیاتی مورد توجه قرار گیرند که در زندگی روزمره معمولا نادیده می‌مانند. اگرچه توجه به این کلیات، قاعدتا می‌تواند برای علاقه‌مندان به اقتصاد سیاسی جالب باشد، برای عموم خوانندگان نیز خالی از فایده نیست چراکه در زمانه ما سرمایه‌داری گسترشی جهانی یافته و اقتصاد تلاش دارد تا اقتصاد سیاسی را از میدان براند و روزمرگی اقتصادی، اندیشه راهبردی در اقتصاد را از صحنه خارج کند. مجموعه مقالات «بحران» از این منظر به بحران اقتصاد جهانی روی کرده است. در این مجموعه مقالات مطالبی از کسانی می‌یابیم که خواسته‌اند از دید کمابیش انتقادی بنیادگذاران اقتصاد سیاسی (آدام اسمیت، کارل مارکس و جان مینارد کینز) به بحران اقتصاد جهانی بنگرند. اندیشه‌های این نام‌های آشنا در اقتصاد سیاسی معمولا با نوعی تفسیرهای کمابیش سنتی‌شده به خواننده فارسی زبان معرفی شده‌اند اما نکته جالب‌توجه در مجموعه مقالات «بحران» این است که نگارندگان، تفسیرهای سنتی رایج را کنار گذاشته و سعی کرده‌اند با تفسیرهای تازه‌ای از نظریات شناخته شده، به موضوع بحران دیرپای اقتصاد جهانی بپردازند.

بحران

پل دیویدسن، دیوید ماس، ادوارد باردنی، ویرن مورثی و...

گردآوری و ترجمه: باقر ماجدی

ناشر: گهرشید

قیمت: ۵۵۰۰ تومان

این مجموعه مقالات از حجم اندکی (چهار مقاله) برخوردار است. اما در همین حجم اندک موفق شده است اندیشمندانی را برای نخستین‌بار به خواننده فارسی‌زبان معرفی کند که با وجود شناخته‌شدن در ابعاد جهانی، به هر دلیل در این سوی جهان ناشناخته مانده‌اند. یکی از این اندیشمندان، دیوید ماس است که نظریه‌پردازان موسوم به مکتب تنظیم را در اقتصاد نمایندگی می‌کند و موسسه مشهوری در همین زمینه در ایالات‌متحده دارد. پل دیویدسون نامدارترین اندیشمند اقتصاد فراکینزی جهان در حال حاضر و از منتقدان برجسته جریان اصلی اقتصاد در ایالات‌متحده یکی دیگر از این اندیشمندان است. وی در نشریه مشهور خود ضمن نقد جریان اصلی، همواره راه‌حل‌های جالبی برای خروج از بحران اقتصاد جهانی ارایه کرده است. مویشه پوستونه، دیگر اندیشمند معرفی شده در این مجموعه نیز به هر دلیل، در این گوشه جهان ناشناخته مانده است. در حالی‌که وی در دهه۹۰ قرن ۲۰ خوانش مجددی از نظریه انتقادی کارل مارکس به‌عمل آورد و رژیم حاکم بر اتحاد جماهیر شوروی سابق را از منظر کارل مارکس، سرمایه‌داری دولتی تلقی کرد. در اندیشه انتقادی مویشه پوستونه بحث زمان تاریخی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شاید به همین سبب کانون فلسفه دانشگاه توکیو در سال ۲۰۰۹ برای برگزاری یک سلسله سخنرانی از او دعوت به عمل آورده و کتابی در این زمینه منتشر کرد. مقاله ویرن مورثی تاریخ‌شناسی که او نیز در ایران ناشناخته است، مقدمه مبسوطی بر اندیشه انتقادی مویشه پوستونه و همچنین بحث زمان تاریخی در این مجموعه مقالات، ارایه می‌کند. با این‌حال، مترجم مجموعه مقالات «بحران» افزوده توضیحی نسبتا مفصلی دارد که به خواننده کمک می‌کند مفهوم زمان را از دیدگاه‌های متفاوتی مورد توجه قرار دهد. بحث ویژگی‌ها و مطالب مطرح در این مجموعه مقالات کم‌حجم می‌تواند بسیار فراتر از این مختصر باشد.

جدول ۱۹۷۰ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱ - از صور فلکی نیمکره شمالی آسمان - خوشحال - گاهی دل هم می‌زند! ۲ - راه فرار - بندری در بلغارستان - عروسک ۳ - نان کاملا برشته - به‌زور کسی را به کاری واداشتن ۴ - کافی - زخم‌بندی - انگل ۵ - همسر حضرت‌یعقوب(ع) - تکیه‌گاه پای دوچرخه‌سوار - در حال نالیدن ۶ - آنچه به صورت اختصاصی در اختیار قرار گیرد - حکومت اتحادیه‌ای - شهر مدفن امیرالمومنین ۷ - خودروی باربری کوچک - کتاب زرتشت - ضمیر سوم شخص ۸ - درختی بلند و برگ‌ریز - عریضه‌نویس - دالانه ۹ - بله آلمانی - عرب‌ها - کمربند مسیحیان ۱۰ - سوره مورچه - محوطه بازی و مسابقه - پشه مالاریا ۱۱ - آمودریا - فوت و فن - برداشت محصول ۱۲ - اضافه‌ها - پایتخت ارمنستان - مساوی ۱۳ - استعداد - از آثار «هومر» حماسه سرای یونانی ۱۴ - ایالتی در آمریکا - آدم بی‌عار - پیرایه ۱۵ - باب روز - در دسترس - قطع طریق.

عمودی:

۱ - حیوان وحشی - پرنده‌ای با منقار خمیده و بال‌های کوتاه - پیشوا ۲ - شهری در استان کرمان - شهرت‌طلب - بتی در عصر جاهلی ۳ - آهار زده - از آلات موسیقی - شایستگی ۴ - راست و درست - همسر حضرت‌ابراهیم(ع) - مات و مبهوت ۵ - عنکبوت - از بالا به پایین ۶ - همسر اسکندر مقدونی - ممارست - شدیدترین مرحله بیماری ۷ - هدف‌ها - روز وصل دوستداران... باد - دست آموز ۸ - تلخ - متصدی قهوه‌خانه - راندن مزاحم ۹ - پی بندی ساختمان - از طلوع تا غروب خورشید - دلواپس ۱۰ - دندان فیل - مخالف - صفار ۱۱ - بیکارگی - تنیسور سرشناس و چپ دست اسپانیایی ۱۲ - غذایی شبیه کتلت - گازی قابل اشتعال - سلاح جنگجوی قدیم ۱۳ - لقب باباطاهر - داخل شدن - رد پا ۱۴ - از اندام گفتاری - شهری در استان اصفهان - اولین پادشاه دوره حماسی شاهنامه ۱۵ - ظرف جوشاندن آب - فرهنگ عامه - افزونی برنج پس از پخته‌شدن.

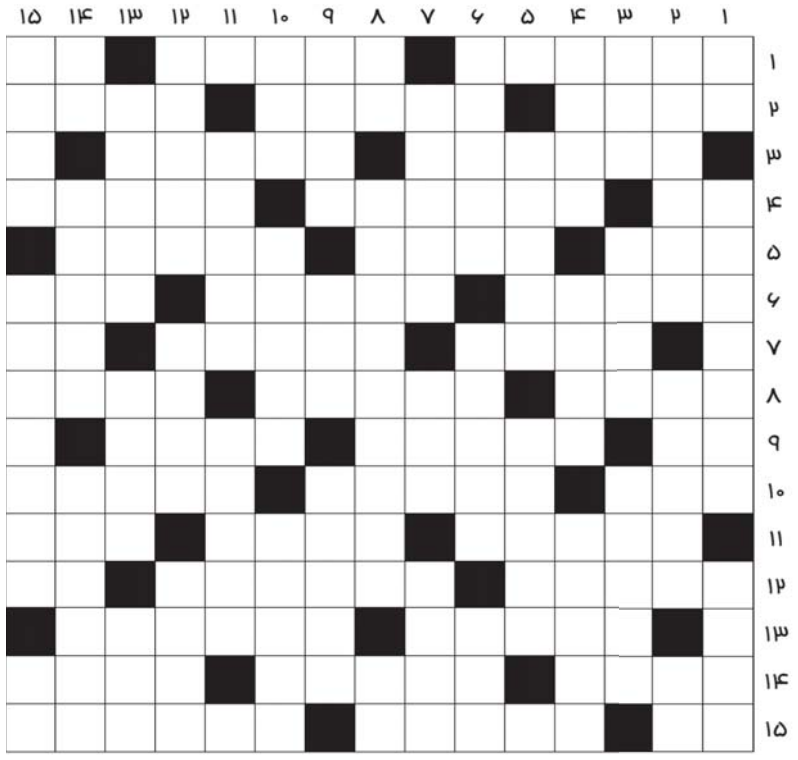

حل سودوکو سخت

۷	۶	۴	۳	۵	۸	۹	۲	۱
۸	۹	۲	۱	۶	۴	۳	۵	۷
۳	۱	۵	۷	۹	۲	۴	۶	۸
۱	۲	۶	۵	۴	۹	۸	۷	۳
۴	۳	۹	۸	۷	۶	۲	۱	۵
۵	۷	۸	۲	۳	۱	۶	۹	۴
۶	۴	۱	۹	۸	۷	۵	۳	۲
۲	۸	۳	۶	۱	۵	۷	۴	۹
۹	۵	۷	۴	۲	۳	۱	۸	۶

حل سودوکو ۹۶۶

۳	۷	۱	۲	۶	۴	۹	۸	۵
۸	۴	۹	۵	۷	۱	۶	۳	۲
۵	۶	۲	۸	۳	۹	۷	۱	۴
۴	۲	۳	۹	۵	۸	۱	۷	۶
۶	۸	۵	۳	۱	۷	۲	۴	۹
۹	۱	۷	۴	۲	۶	۳	۵	۸
۱	۵	۶	۷	۴	۲	۸	۹	۳
۲	۳	۸	۱	۹	۵	۴	۶	۷
۷	۹	۴	۶	۸	۳	۵	۲	۱

جدول ۱۹۶۹

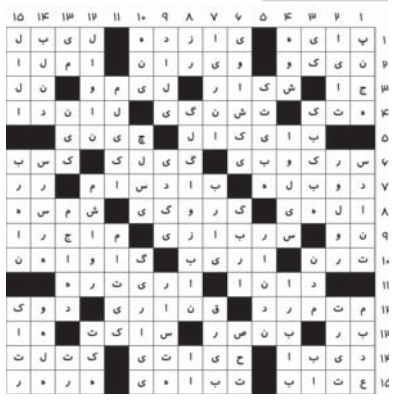

سودوکو سخت ۹۶۷

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۸		۱		۳			
۹			۷	۴			۶	
۳	۱				۲		۷	
				۶	۵			۹
	۶		۹					
		۸	۲	۱				
۸	۵	۲	۴					
	۷	۹					۴	
	۳			۲				۷

سودوکو ۹۶۷

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۱	۶				۲			۹
۷		۲				۴		۳
	۳	۴	۷					۶
	۵	۶				۸		۱
				۸		۶		۵
	۱		۲	۵				
	۷			۴		۱		
	۸		۳	۲				
				۹			۴	